

صدای صلح ایرانی

درباره فرهادی و اسکاری که گرفت

کار شده در روزنامه اعتماد، ویرژنامه تحلیلی نوروز ۱۳۹۱، روز چهارشنبه، ۹۰/۱۲/۲۴

سال ۱۳۹۰ شمسی با تمام تلخ‌ها و شیرینی‌ها و زیر و زبرهایش رو به اتمام است. چند روز پیش مراسم اعطای جوایز اسکار را در منزل دوستی در این سوی دنیا به صورت زنده نگاه می‌کردم. با شنیدن نام «جدایی نادر از سیمین» اشک شوق ریختم و دقایقی چند آسمان چشمانم بارانی شد و در آستانه سال نو عیدی شیرینی دریافت کردم؛ من نیز نظیر میلیون‌ها ایرانی مبتهج و شاد و زفت و گلگون شدم. در این زمانه که در فضای بین‌المللی سخن از جنگ و باروت و موشک و ویرانی ایران عزیز است و درباره حمله به ایران سخن فراوان می‌رود و ایران دوستانی که قلبشان در سینه به شوق اعتلای ایران می‌تپد، بسیار نگرانند که خبط و خطا و فاجعه سهمگینی صورت بگیرد و جنگ طلبان به خاک کشور عزیزمان حمله کنند؛ اصغر فرهادی، فیلمساز محبوب، خوشفکر و صاحب سبک سینمای کشورمان، صدای ایرانیان متمدن و فرهنگ دوست و صلح طلب را به گوش جهانیان رساند. بدون تردید، نام اصغر فرهادی با دریافت جایزه اسکار در تاریخ سینمای ایران ماندگار و جاودانه شد.

پیش از این مقاله ای با عنوان "تنگنای عدالت و فراخنای اخلاق" درباره «جدایی نادر از سیمین» نوشته ام و به برخی از بصیرت‌ها و نکات نغز اخلاقی و اگزستانسلیل فیلم اشاره کرده‌ام. آنچه اکنون بر آن تأکید می‌کنم، فارغ از ارزشهای هنری فیلم، آثار و نتایج فرهنگی مترتب بر توفیق این فیلم در سطح جهان است. طی ماههای اخیر بارها از همکاران و دانشجویان غیر ایرانی درباره این فیلم و مؤلفه‌های انسانی و اخلاقی آن شنیده‌ام. می‌توان این داوری درباره اثر یک فیلمساز ایرانی را تعمیم داد و تصدیق کرد که اهالی فرهنگ و هنر و سیاست در سطح جهان چه قضاوتی درباره این فیلم و نوع نگاه این فیلمساز به جهان کرده‌اند. فرهادی نیز با عنایت به وضعیت اینجایی و اکنونی ما، هنگام دریافت جایزه بر فرهنگ غنی ایران زمینان تأکید کرد و تصویر دل‌انگیزی از مردمان فرهنگ دوست این سرزمین بدست داد. کار اصیل و ماندگار فرهنگی و هنری بر فراز فضای ابری و غبارآلود سیاست به پرواز در می‌آید و ارتباط میان انسانها و ملت‌های گوناگون با پیشینه‌های معرفتی و تربیتی مختلف را مستحکم تر می‌کند و به همگان می‌آموزد که نباید تمامی امور را از روزن تنگ سیاست نگریم. انسانهای گوشت و پوست و خون دار، فارغ از جنسیت و ملیت و نژاد و مذهب و اقتصاد، دغدغه‌های اصیل جهانشمول انسانی و اخلاقی و اگزستانسلیل دارند و می‌توانند درباره آنها با یکدیگر گفتگو و رایزنی کنند. همانطور که رمانهای کوئیلو و مارکز مخاطب جهانی دارد و انسانهای متنوع و رنگارنگ آنها را می‌خوانند، فیلم «جدایی نادر

از سیمین» نیز مخاطب جهانی پیدا کرده؛ چرا که به زیبایی و مهارت تمام به مقولات انسانی جهانشمولی چون پیری و ناتوانی و مرگ و سرشت سوگناک هستی؛ دشواری تصمیم‌گیری اخلاقی در سیاق‌های پیچیده و چند لایه و توبرتو؛ رابطه میان اخلاق و قانون...پرداخته و آنها را به تصویر کشیده است. از اینرو، فیلم به سهولت با مخاطب های متنوع با پیشینه‌ها و ملیتهای گوناگون رابطه برقرار می‌کند. سر توفیق فرهادی و اقبال عظیم به « جدایی نادر از سیمین» همین است؛ نباید به سر وقت عوامل پیچیده دیگری رفت و دستهای پیدا و پنهانی را در آن سراغ گرفت و دخیل دانست.

به عنوان یک ایرانی، خرسند و مفتخرم که یک هموطن هنرمند من در این زمانه پر تب و تاب و پر تلاطم با خلق یک اثر هنری اصیل و بدیع و تکان دهنده، مخاطب جهانی پیدا کرده و نام ایران و فرهنگ و هنر ایرانی را در یادها و خاطره‌ها زنده کرده و به همگان نشان داده که خاک این سرزمین برای خلق آثار فرهنگی ماندگار همچنان حاصلخیز است.